

Explaining the Traits of a Healthy Human Being with an Approach to Monotheistic Anthropology in the Words of the Commander of the Faithful

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Narges Shekarbeygi *

How to cite this article

Narges Shekarbeygi, Explaining the Traits of a Healthy Human Being with an Approach to Monotheistic Anthropology in the Words of the Commander of the Faithful, *Journal of Quran and Medicine*. 2021; 6(3): 32-41.

1. Assistant Professor Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: shekarbeygi.n@gmail.com

Article History

Received: 2021/09/14

Accepted: 2021/12/21

ePublished: 2021/12/21

ABSTRACT

Purpose: A healthy human being and knowing its epistemological foundations is one of the broadest fields of Islamic studies that has been designed in philosophy, ethics, anthropology, etc. The purpose of this study is to examine some religious texts in particular; the verses of the Holy Quran and the words of Amir al-Mu'minin (AS) reveal and explain the attributes of a healthy human being.

Methodology: This research has been done with descriptive-analytical method and library tools and review of interpretive sources and hadith computer, especially the use of specialized light software. Ethical considerations: In all stages of the report, information gathering, writing of religious texts, analysis and interpretation of receipts, etc., the fidelity and accuracy of the citations have been observed.

Findings: The view of Islamic texts on the human field and various epistemological fields is very wide. However, due to its fundamental nature, following the monotheistic anthropology and the epistemological foundations of a healthy human being, only these intersections are dealt with in this work.

Conclusion: in the field of monotheism; numerous traits express the characteristics of a healthy person; attributes such as: submission to God, trust, gratitude, contentment, servitude and freedom, obedience and obedience to God, etc. are examples of these attributes. The institutionalization of these traits in human beings is a disease of Islamic texts. Self-confidence, hope, inner purity, self-esteem, etc., which will guarantee a different kind of health to the spiritual and mental health of the individual.

Keywords: Healthy Human Being, Spiritual Health, Basics of Epistemology, Monotheistic Anthropology, Holy Quran, Nahjul Balagha

تبیین صفات انسان سالم با رویکردی بر انسان شناسی توحیدی در کلام امیرالمؤمنین (ع)

نرگس شکر بیگی *

استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

هدف: انسان سالم و شناخت مبانی معرفت شناختی آن یکی از وسیع‌ترین حیطه‌های مطالعات اسلامی است که در فلسفه، اخلاقی، انسان شناسی و... طرح گردیده است. هدف این پژوهش آن است که با بررسی برخی از متون دینی به ویژه؛ آیات قرآن کریم و کلام امیر المؤمنین (ع) به کشف و تبیین صفات انسان سالم پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و براساس ابزار کتابخانه‌ای و مرور منابع تفسیری و کتب حدیثی به ویژه استفاده از نرم‌های تخصصی نور انجام گرفته است. در تمام مراحل گردآوری اطلاعات، گزارش نویسی از متون دینی، تحلیل و تفسیر فیش برداری‌ها و... امانت‌داری و صحت در استنادها رعایت گردیده است.

یافته‌ها: نگاه متون اسلامی به ساحت انسان و حوزه‌های مختلف معرفت شناختی بسیار وسیع است. اما با توجه به بنیادین بودن بحث انسان شناسی توحیدی و مبانی معرفت شناختی انسان سالم، در این اثر تنها به این بُعد پرداخته شده است.

نتیجه گیری: در حیطه توحیدی؛ صفات متعددی بیانگر ویژگی‌های انسان سالم است؛ صفاتی از جمله: تسلیم در برابر خدا، توکل، شکرگذاری، رضا و رضایت‌مندی، بندگی و آزادگی، فرمانبرداری و اطاعت از خدا و... نمونه‌ای از این صفات است. نهادینه شدن این صفات در انسان براساس متون اسلامی به وجود آورنده؛ اعتماد به نفس، امیدواری، صفای درونی، عزت نفس و... است که خود ابعاد گوناگونی از سلامت به ویژه سلامت معنوی و روانی فرد را تضمین خواهد نمود.

واژگان کلیدی: انسان سالم، سلامت معنوی، مبانی معرفت شناسی، انسان شناسی توحیدی، قرآن کریم، نهج البلاغه..

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

* نویسنده مسئول: shekarbeygi.n@gmail.com

مقدمه

انسان‌ها در مسیر تکامل خود به سه حالت: کامل، سالم و ناقص تقسیم می‌شوند. انسان سالم حد واسط بین انسان ناتمام، ناقص و انسان کامل است که از نظر فلسفی تعاریف خاص خود را دارد. اما نکته حائز اهمیت آن است که هر انسان سالمی لزوماً انسان کاملی نیست. انسان سالم زمینه تکامل استعدادهايش را که به صورت بالقوه در او وجود دارد را می‌تواند فراهم سازد. (۱)

هر صاحب مکتبی که مسیر و راهی برای بشریت آورده است، نظریه‌هایی درباره کمال انسان و انسان کامل دارد. (۱) برخی از نظریه پردازان شخصیت مانند: فرانکل که مؤسس نظریه معنادرمانی براساس روانشناسی وجودی می‌باشد؛ معتقد است: محور اصلی شخصیت سالم، توجه به نیازها و قابلیت‌های ویژه ساحت روحانی انسان است. از این رو معتقد است توجه فراوان بر ابعاد جسمانی انسان نتیجه‌ای را به همراه دارد که امروزه شاهد آن هستیم. افسردگی، اعتیاد، پرخاشگری، خودکشی و... بخشی از نتایج جامعه صنعتی و رفاه زدگی عصر حاضر است. فرانکل، معیار نهایی رشد و پرورش انسان سالم را در اراده معطوف به معنای زندگی و نیاز مداوم انسان به جستجوی معنای زندگی می‌داند. از نظر وی فقدان معنای زندگی به احساس تهی بودن، بی هدف زندگی کردن و... منجر خواهد شد. لذا نهلیسم، پوچ‌گرایی و... از پدیده‌های گسترده عصر حاضر و قرن بیستم بوده و تنها راه حل این مشکل، یافتن معنای زندگی است. (۲)

بنابراین شخصیت سالم کسی است که معنایی مناسب در زندگی یافته، واکنش خویش را آزادانه برای موقعیت‌های پیش رو انتخاب کرده و مسئولانه نتایج انتخاب‌ها و رفتار خود را می‌پذیرد. چنین انسانی به گذرا بودن زندگی، عمر و... توجه دارد و خود را صرف کیفیت بخشیدن به زندگی می‌کند نه کمیت آن؛ چنین انسانی به آینده نگاه خوشبینانه دارد و براساس آن اهداف و وظایف خود را برنامه‌ریزی می‌کند. (۳)

همچنین در تعریف انسان کامل، شهید مطهری معتقد هستند: کمال صفت وجودی است که برای هر موجودی متناسب با آن معنا می‌شود. در حقیقت کمال فعلیت یافتن استعدادها و قوت‌ها است. کمال جویی و سعادت طلبی، گرایش طبیعی، غریزی و فطری هر موجودی است اما در انسان‌ها، کمال و عینیت یافتن استعدادها و توانمندی‌ها متفاوت است که جز در پرتو انتخاب و گزینش در کنار تلاش مجاهدانه تحقق نمی‌یابد. برخلاف دیگر موجودات، کمال انسانی اکتسابی است. انسان کامل آن انسانی است که همه ارزش‌های انسانی با هم رشد کرده باشد. (۱)

همچنین تعبیر انسان کامل، از واژگان کلیدی عرفان نظری است و تعاریف متعددی در این خصوص در بین عرفا و صاحبان نظران این حیطه به چشم می‌خورد. چنان که اگر کتاب مثنوی را یک کتاب برای سلوک انسان بدانیم؛ مولانا وجود یک رهبر، هادی، راهنما، مرشد و... را لازم می‌داند. وی معتقد است که این فرد هدایت کننده و دستگیر سالکان به سوی کوی دوست؛ و این هادی کسی جز انسان کامل نیست. (۴)

ملاحظات اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش اعم از؛ فیش برداری، طبقه‌بندی اطلاعات، تفکیک موضوعات، تحلیل و تفسیر متون دینی، استناددهی و... امانتداری رعایت گردیده است.

مواد و روش‌ها

آموزه‌ها و تعالیم اسلامی در حیطه‌های متنوع انسان‌شناسی، خداشناسی، جهان‌شناسی بسیار گسترده و وسیع است. این مطالعه، به دنبال کشف ویژگی‌ها و مولفه‌های انسان سالم به ویژه در حوزه انسان‌شناسی توحیدی است که با رویکردی بر دستوارت قرآنی و توصیه‌های گرانقدر حضرت علی(ع) استنباط شده است. لذا در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای موسسه نور مانند: جامع التفسیر، جامع الاحادیث و... مهم‌ترین مولفه‌های مرتبط با انسان‌شناسی استخراج گردید و براساس فیش نویسی‌های صورت گرفته مبانی مربوط به خداشناسی تفکیک و از بین آنان مهم‌ترین مولفه‌های مرتبط با حوزه سلامت؛ مشخص گردیدند. در این راستا در تحلیل آیات، به تفاسیر ارزشمندی مانند: المیزان، نمونه و... استناد نموده و در خصوص کلام حضرت علی(ع) از شروح مختلف نهج البلاغه و کتاب غررالحکم و درر الکم که در برگیرنده روایات حضرت بودند استفاده شده است. در انجام این پژوهش از روش‌های تحلیلی معتبر تفسیری و روایی استفاده شده تا کمترین میزان تفسیر برای رخ دهد.

یافته‌ها

اساسی‌ترین، موثرترین، بنیادی‌ترین رابطه انسان در تمام مراحل زندگی‌اش در رابطه با خداوند است. زیرا اصل و منبع حقیقی سلامت خداوند متعال است. همچنان که خداوند فرمود: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ» (حشر/۲۳)

حضرت علی(ع) جوینده این راه پرفراز و فرود را چنین توصیف می‌کند: «عقلش را زنده کرد و نفس خویش را کشت، تا آنجا که جسمش لاغر، و خشونت اخلاقیش به نرمی گرایید، برقی پر نور برای او درخشید، و راه را برای او روشن کرد و در راه راست او را کشاند و از دری به در دیگر برد تا به در سلامت و سرای جاودانه رساند، که دو پای او در قرارگاه امن با آرامش تن، استوار شد. این، پاداش آن بود که دل را درست به کار گرفت، و پروردگار خویش را راضی کرد.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۰) امام در این کلام گهربار، آخرین منزل سلامت را جایگاه امن نامیده است. بنابراین ارتباط صحیح انسان با خدا، سبب دستیابی به آرامش و سلامت می‌گردد. در سایه این ارتباط انسان؛ سایر روابطش شکل می‌گیرد چرا که محوریت در بنیان فکری، اخلاقی، اعتقادی و... انسان همین بُعد خداآوری اوست. در این جهان؛ انسان‌ها با روابط گوناگونی احاطه شده‌اند؛ اما برای سامان دهی آنان و تنظیم روابط؛ باید مدار خاصی تعیین نمود؛ آن مدار، ارتباط سازنده با خالق و عبودیت خداوند است (۷)

پس می‌توان گفت، در این ارتباط؛ مسئله شناخت الهی بسیار مهم است. زیرا رابطه انسان با خدا با توجه به نوع معرفت انسان به خدا معنا پیدا می‌کند و شدت و ضعف این ارتباط بستگی به میزان شناخت انسان از خداوند دارد. بنابراین شناخت خداوند؛ محور تمام

از سوی دیگر بنابر آراء و اندیشه‌های بزرگانی همچون: لاهیجی، جامی، جوادی آملی، طباطبایی، ابن عربی و... انسان کامل؛ انسانی با ویژگی‌های متعدد است که مهم‌ترین آنها عبارتند از؛ علت غایی خلقت؛ سبب ایجاد و بقای عالم، متخلق به اخلاق الهی، اسم جامع الهی، واسطه میان حق و خلق، راهنمای خلائق، مخلوق خداست اما واجد صفات و اخلاق الهی است... (۴)

از آنجا که قرارداد الگو؛ یکی از شیوه‌های تربیتی در دین مبین اسلام است. توجه به انسان کامل در ادبیات دینی؛ مفهومی آرمانی دارد که تلاش برای رسیدن به آن برای برخی از انسان‌ها محقق نمی‌گردد اما شباهت به انسان کامل و توجه به آن در مسیر زندگی؛ سلامت را در زندگی انسان به وجود خواهد آورد. در این صورت، سالم بودن انسان برای تمام افراد قابل دسترس بوده و شدنی است. این امر و توجه به زندگی انسان کامل که مصداق بارز آن پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) هستند؛ امری که که مورد تأیید روایات بوده است. حضرت امیر(ع) فرمودند: آگاه باش هر پیروی را امامی است که از او پیروی می‌کند و از نور دانشش روشنی می‌گیرد، آگاه باش امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده، دو قرص نان رضایت داده است، بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی، مرا یاری دهید (۵) (نامه ۴۵)

همان‌گونه که مشخص است و در کلام حضرت مشهود است؛ استعداد آدمی در رسیدن به مطلوب و حرکت در جهت هدف بسیار مهم است. رسیدن همه انسان‌ها با مقام و مرتبه انسان کامل هر چند برای همگی شدنی نیست اما تلاش و تکاپو برای زندگی مؤمنانه و سالم بر اساس تعریف قرآنی و روایی باید سرلوحه زندگی همه انسان‌ها باشد. با توجه به امکانات انسان امروزی و شرایط اجتماعی عصر حاضر؛ انبوهی از اضطراب‌ها، استرس‌ها و مکاتب گوناگون فکری و ایدئولوژیکی و... شاخصه‌ها و الگوهای تربیتی، اجتماعی، اخلاقی، دینی و... برای انسان به ارمغان می‌آورد که تمامی آنان منتج به مسیری سالم؛ متعادل و طبیعی در راه رشد و سعادت انسان نیست. مفهوم سلامت انسان در این نوشتار، در حقیقت به عنوان بخشی از نظام معارف دینی مد نظر است که بر مفاهیم الهی منطبق باشد. چرا که تمام دستورهای دین مبین اسلام در جهت رشد و تعالی انسان‌ها و رسیدن آنان به کمال صادر گشته است. (۶)

از آنجا که مطالعات معرفت شناختی و انسان‌شناسی حیطه بسیار وسیعی را در برمی‌گیرد و بی‌شک پرداختن به تمامی این ابعاد از حوصله این نوشتار خارج است؛ لذا در طرح سوال اصلی این اثر به دنبال شناخت جایگاه و نقش مبانی معرفتی انسان‌شناسی توحیدی در تعریف انسان سالم بوده است. از این رو این پژوهش درصدد است تا با بررسی محتوایی کلام امیرالمؤمنین(ع) و ویژگی‌های گوناگون انسان سالم را کشف و مدل مفهومی چنین انسان متکامل و سعادت‌مندی را بر اساس انسان‌شناسی توحیدی ترسیم نماید.

ارتباطات دینی است. چنان که امام علی(ع) فرمودند: «معرفت خدای سبحان، بلند مرتبه‌ترین معرفت‌هاست» (۸)

انسان شناسی توحیدی

انسان سالم در تعریف اسلامی تنها به حوزه باور به خداوند محدود نمی‌گردد، بلکه ابن باور؛ جوانب گوناگونی را در بر می‌گیرد که بدون شک یکی از مهم‌ترین آن اعتقاد به خالقیت خداست. در این باور خداوند متعال؛ خالق، مبدا، آفریننده تمام هستی است. همه اتفاقات بر اساس خواست و اراده او تحقق می‌یابد. هم‌چنان که در سوره سجده آیه ۵ آمده است «يُذَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ» در باور انسان سالم؛ تمام جهان مخلوق خداوند هستند و مدبر همه امور اوست «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» (اعراف/ ۱۸۸) در این صورت سرنوشت انسان چه در مرگ و چه در حیات؛ تنها تحت قدرت الهی است. «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (آل عمران/ ۱۴۵)

از سوی دیگر در حرکت انسان به سوی کمال وجودی خویش و بروز استعدادها که در ذات و فطرت او قرار دارد، قرآن کریم نگاهی توحیدی و مستمر را ترسیم می‌نماید؛ چنان که در سوره انشقاق آیه ۶ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» مخاطب در این آیه انسان است، برای اینکه ربوبیت خدای تعالی عام است و این آیه شامل همه انسان‌ها می‌شود. (۹)

انسان، خلیفه حق در تدبیر امور عالم است، زیرا جامع همه صفات الهی است. (۱۰) بنابر تعریف ابن عربی؛ ظاهر و صورت انسانی، آدم «خلق» و باطن او «حق» است. (۱۰) این تعبیر به این معناست که باطن آدمی؛ آئینه تمام نمای صفات الهی است و می‌تواند بهترین نمود اسمای الهی باشد.

لذا براساس این رویکرد؛ چنین انسانی خود را پوچ نمی‌داند؛ همان‌گونه که نظام هستی را پدیده‌ای بیهوده و تصادفی نمی‌بیند. این چنین انسانی نیازها و استعدادهای بشری را عامل اصلی پیشرفت او می‌داند. بر همین اساس معنا زندگی خویش و اهداف پیش رو را ترسیم می‌نماید. چنین شخصیت سالمی تمام افکار، احساسات، رفتارهای خود را بر اساس رابطه خود با خدا تنظیم می‌کند. (۷) همان‌گونه که قرآن کریم تصریح نموده است «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام/ ۱۶۲) نمود این جهان بینی را می‌تواند در بروز صفات مهمی که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد؛ ملاحظه نمود.

تسلیم

مقصود از تسلیم؛ عبارت از انقیاد باطنی و اعتقاد قلبی است که در مقابل حق رخ می‌دهد. این حالت را مرحله بعدی سلامت نفس از عیوب و خالی بودن آن از ملکات خبیثه می‌دانند. چرا که قلب سالم در درگاه حق تسلیم است. در مقابل این حالت؛ شک و عدم خضوع است. (۱۱)

تسلیم در برابر خداوند متعال؛ حالتی است که در آن بنده به سطحی از آرامش و اطمینان می‌رسد که هم خود و خالق خویش را به بهترین صورت می‌شناسد. در این صورت در همه امور خویش؛ بی‌چون و چرا تسلیم اوامر الهی است. این کلام هم راستای، سخن علوی است

که حضرت(ع) فرمودند: «بدان که اول دینداری، تسلیم و آخر آن اخلاص است» (۸)

یکی از ثمرات مهم تسلیم در برابر خداوند، احساس امنیت و آرامش است (بقره/ ۱۱۲) امیرمؤمنان(ع) قرار گرفتن در محدوده اسلام را وسیله‌ای برای دستیابی به آرامش و سلامت معرفی نمودند؛ همچنان که از معنای لغوی اسلام نیز همین برداشت می‌گردد. در این کلام گهربار حضرت فرمودند: «ستایش خداوندی را سزاست که راه اسلام را گشود، و راه نوشیدن آب زلالش را بر تشنگان آسان فرمود. ستون های اسلام را در برابر ستیزه جویان استوار کرد و آن را پناهگاه امنی برای پناه‌برندگان، و مایه آرامش برای واردشوندگان قرار داد» (خطبه ۱۰۶) کسی که در برابر خالق و خدای خویش، تسلیم باشد و تنها رضای خدا سرلوحه زندگی‌اش باشد؛ خداوند نیز او را رها نکرده و در همه امور زندگی‌اش او را یاور و پشتیبان است.

توکل

اصطلاح توکل؛ از ریشه «وکل» به معنی واگذاری امر به معتمدی است که از باب آن که خود را در صورت دادن به امر عاجز می‌بیند (۱۲) در آموزه‌های اسلامی از اصطلاح توکل به عنوان نشانه ایمان حقیقی و دینداری یاد شده است. براساس مفاد آیات و روایات اعتماد به خداوند متعال بهترین نوع اعتماد دانسته شده چرا که راه سعادت حقیقی انسان تنها از این مسیر محقق می‌گردد. قرآن کریم در آیه دوم سوره انفال؛ توکل را به عنوان یکی از مهم‌ترین نشانه‌های انسان مؤمن بر شمرده است. علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه فرمودند: «جمله (وَإِذَا ثَلَبْتَ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا) اشاره به این دارد که وقتی ایمان انسان زیاد می‌گردد و به حدی از کمال می‌رسد که مقام پروردگارش را و موقعیت خود را شناخته و بداند که تمامی امور به دست خدای سبحان است. بر خدا توکل کرده و تابع اراده او شود و او را در تمامی امور مهم زندگی خود وکیل خود قرار دهد به آنچه که او در مسیر زندگیش مقدر می‌کند رضایت داشته باشد. جمله (وَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ) اشاره به همین معنا است.» (۹)

حضرت علی(ع) تنها خداوند را شایسته توکل می‌دانند چرا که تنها اوست که بر احوال بندگان خود آگاهی تام دارد. (خطبه ۲۲۷) و در بیان جایگاه و حقیقت توکل می‌فرمایند: «ایمان بنده راست نباشد، جز آن‌گاه که اعتماد او بدان چه در دست خداست بیش از اعتماد وی بدان چه در دست خود اوست» (حکمت ۳۱۰)

نکته بسیار مهم این است که توکل آثار و نتایج مهمی دارد که عبارتند از: اعتماد به نفس، امیدواری، مقاومت، صفای درونی، عزت نفس و... است. این ثمرات ارتباط تنگاتنگی با ابعاد گوناگون سلامت انسان دارد. انسان سالم با تکیه بر استعدادها و توانایی‌ها خود؛ در درون احساس حمایت و قدرتی بی‌اتنها می‌کند که می‌تواند موانع موفقیت را از سر راه بردارد. چنین فردی ضمن تلاش همواره امیدش به منبع اصیلی است که قادر مطلق است. لذا اضطراب، ترس و دلهره، یاس و ناامیدی از او دور بوده و اعتماد به نفس بالایی خواهد داشت.

شکر گذاری

دارد و مقام رضا در برابر قضای الهی از ارکان غیر قابل انکار ایمان حقیقی است.

چنانچه انسان به این مقام والا نایل گردد؛ ثمرات فراوانی کسب خواهد کرد. یکی از مهم‌ترین ثمرات این مقام؛ آرامش روحی- روانی است. زیرا انسانی که به رذائل عادت کرده و دنیاپرست... باشد؛ همواره بر قدرت، دارایی، نسب و... تکیه می‌کند؛ غافل از این که تمام این امور مادی زودگذر بوده گاهی در اثر اتفاقی کوچک از بین خواهد رفت. اما اگر انسان در زندگی تنها برای خدا تلاش کند؛ نتایج تمام امور را به خداوند مهربان و حکیم محول کند؛ از هیچ چیز واهمه نخواهد داشت. در حدیثی گرانها حضرت علی(ع) فرمودند: «هر کس به حکم خدا راضی شود؛ زندگی او خوش باشد»(۸). همچنین رسیدن به مقام رضا الهی، بی‌نیازی را در فرد به وجود خواهد آورد که بی‌شک این غنا بزرگترین سرمایه انسان خواهد بود.

بندگی

تمام پیامبران الهی به بندگی و عبودیت خداوند متعال دعوت نمودند؛ همچنان که در سوره آل عمران، آیه ۷۹ فرمود: «كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ»

انسانی که خود را بنده خدای متعالی بداند؛ مبنای اعمال و رفتارش را رضای الهی قرار می‌دهد. انگیزه و هدف چنین فردی؛ تنها در جهت نیل به کمال و سعادت مطلق است. لذا چنین فردی دچار سرگردانی، یاس و ناامیدی نمی‌گردد. قرآن کریم سرگردانی فرد بی‌اعتقاد به خداوند را چنین بیان نموده است «حَفَا لَهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ»(حج/۳۱) مقصود از حفا این است که انسان از اغیار به سوی خدا مایل گردد.(۹)

زمانی که انسان در مسیر بندگی گام بردارند؛ خود و دیگران را بنده خدا بدانند؛ در تعاملات اجتماعی خود و ارتباط با دیگران؛ به آنان ظلم نمی‌کنند؛ گرفتار خودبینی، غرور و... نمی‌گردند. امام علی(ع) به زیبایی عبودیت را توصیف می‌نمایند: «این فرمان بنده خدا علی‌امیر مؤمنان، به مالک اشتر پسر حارث است، در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر بر می‌گزینند... کار مردم را اصلاح، شهرهای مصر را آباد ساز... بهره‌زی که در بزرگی فروختن، خدا را هم نبرد خود خوانی و در کبریا و عظمت خود را همانند او دانی که خدا هر سرکشی را خوار می‌سازد و هر خودبینی را بی‌مقدار می‌نماید.»(نامه ۵۳)

بندگی همواره با برخی از مضامین اخلاق مانند؛ تذلل، خشوع، تواضع و فروتنی و... همراه است. چرا که عبادت نهایت خضوع را نشان می‌دهد که مختص به خداوند متعال است(۱۲) حضرت علی(ع) در خصوص نتیجه بندگی می‌فرمایند: «خدا ایمان را واجب کرد برای پاکی از شرک و ورزیدن و نماز را برای پرهیز از خودبزرگی بینی معین فرمود»(حکمت ۱۵۲). این سخن در راستای این آیه شریفه است «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ»(عنکبوت/۴۵) از آثار و برکات مهم نماز که حتی از نهي از فحشا

یکی دیگر از نشانه‌های خداواری که با فضائل اخلاقی ارتباط تنگاتنگی دارد؛ شکرگزاری است. مقصود از شکر در لغت به معنای یادآوری نعمت و توجه داشتن به آن است. نقطه مقابل شکر؛ کفر، ناسپاسی و پوشیده داشتن نعمت است.(۱۳) علامه طباطبایی در تعریفی از شکر آورده‌اند: «حقیقت شکرگزاری همان اظهار نعمت است. بنابراین شکر خداوند متعال؛ این است که در هنگام استفاده از آن به یاد خدا بوده و نعمت را در جایگاه درست و مناسب خود استفاده نمود»(۹).

شکرگزاری یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان سالم است. اگر چه جایگاه خدا بسیار بالاست و عدد نعمت‌های که به انسان ارزانی داشته بی‌حد و حصر است و انسان می‌داند که از عهده شکر الهی به تمام معنا بر نخواهد آمد. همچنان که حضرت علی(ع) در فضیلت و اهمیت شکر می‌فرمایند: «ستایش خداوندی را سزاست که حمد و ستایش را به نعمت‌ها و نعمت‌ها را به شکرگزاری پیوند داد. خدا را بر نعمت‌هایش آن‌گونه ستایش می‌کنیم که بر بلاهایش»(خطبه ۱۱۴) در کلام حضرت امیر(ع) یکی از نشانه‌های مؤمن حقیقی، شکرگزاری معرفی شده است (رک: نهج البلاغه، خطبه ۸۱).

رضا

مقصود از رضا؛ در راستای معنای لغوی آن همان موافقت خواست درونی با هر چیزی که برای آن اتفاق می‌افتد است.(۱۳) امام خمینی(ره) در تبیین واژه رضا فرمودند: «مقام رضا، عبارت از خشنودی بنده از قضا و قدر خدا است. این خشنودی، به معنای رضایت از خلق نیز هست و معنای عامی دارد»(۱۱) انسان سالم تمام تصورات، اعمال و نظرات خود را براساس آنچه خدا می‌پسندد، برنامه‌ریزی می‌کند. بنابراین مبنای تمام ارزش‌های انسانی و اخلاقی؛ خواست و اراده خداست. این احساس به زندگی انسان جهت می‌دهد و از سوی دیگر آسایش و راحتی او در زندگی را به ارمغان خواهد آورد.

همچنان که قرآن کریم فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً»(فجر/۲۷-۲۸) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه فرمودند: «آنچه از سیاق و بافت آیه استفاده می‌شود این است که نفس مطمئنه، نفسی است که با علاقمندی و یاد پروردگارش سکونت یافته و به آنچه او راضی است رضایت می‌دهد و در نتیجه خود را بنده‌ای می‌بیند که مالک هیچ خیر و شری و نفع و ضرری برای خود نیست و نیز دنیا را یک زندگی مجازی و داشتن و نداشتن و نفع و ضرر آن را امتحانی الهی می‌داند»(۹).

با آن که میل انسان به سمت معبود و خالق خویش امری فطری و بدیهی است اما راه رسیدن به مقام رضا و کسب سایر فضائل اخلاقی؛ مسیر پر فراز و فرود است. چرا که برای رسیدن به این مقام باید به یقین رسید که هر آنچه خداوند برای انسان مقدر کرده خیر است؛ حتی اگر ظاهری شر، سخت و غم آلود داشته باشد. در حدیثی مولا علی(ع) فرمودند: «ایمان چهار پایه دارد: توکل به خدا، واگذار کردن امر به خدا، راضی بودن به قضا خدا و تسلیم بودن در برابر امر الهی»(۸) بنابراین بین رضا و ایمان رابطه صریح و مستقیمی وجود

و منکر نیز مهم‌تر است آن است که انسان را به یاد خدا می‌اندازد که ریشه و مایه اصلی هر خیر و سعادت است (۱۴).

بندگی و انجام مناسک دینی تأثیرات فراوانی در ابعاد گوناگون زندگی انسانی دارد. از سوی سبب آرامش روانی انسان می‌شود. همان‌گونه که در آیه ۴۵ سوره عنکبوت مشهود است؛ نماز انسان را از کارهای ناپسند باز می‌دارد و سپس در آیه فوق آمده است «قطعاً یاد خدا بالاتر است» و در عبارت کوتاه دیگری آمده است «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸) در تفسیر آیه آمده است: «این عبارت در حقیقت تنبیهی است برای مردم تا متوجه پروردگار خود شوند و با یاد او دل‌های خود را راحت سازند. آدمی در زندگی خود هدفی جز رستگاری و نیل به سعادت ندارد که تنها در دست خدای سبحان است، چون بازگشت همه امور به اوست. پس یاد او برای نفس مایه انبساط و آرامش است» (۹).

همچنین در فهم معانی قرآن کریم؛ آنجا که بحث از عواقب دوری از مسیر بندگی خدای متعال می‌گردد؛ آمده است: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه/۱۲۴) ابن عباس فرموده: منظور از این (معیشت ضنک) زندگی کردن در حال معصیت است. ولو اینکه انسان غرق در ناز و نعمت باشد. بنا به قولی از پیامبر اسلام (ص) روایت شده که فرمودند: مقصود از این (معیشت ضنک): زندگی با حرص شدید برای بدست آوردن اموال و اسباب دنیوی است. مضمون این آیه شریفه نقطه مقابل مضمون آیه ۹۹ سوره نمل است که می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» هر مرد و زن که عمل نیک انجام دهد در صورتی که مؤمن باشد یقیناً ما زندگی پاک و پاکیزه به او عطا خواهیم کرد (۱۵).

از سوی دیگر بندگی و عبادت خالص خداوند؛ زاویه دید انسان را وسعت می‌بخشد و در نتیجه بسیاری از مشکلات، مصائب و نگرانی‌ها برای انسان مؤمن که ظرفیت روانی بالایی کسب کرده است؛ قابل تحمل‌تر بوده و کمتر محزون و افسرده می‌گردد (۷). این وعده الهی است که فرمود: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس/۶۲) علامه در ذیل تفسیر آیه می‌فرماید: «تحقق خوف و اندوه وقتی قابل تصور است که آدمی برای خود ملک و یا حتی قائل باشد، مثلاً خود را مالک فرزند و یا جاه و... بداند. اما انسان مؤمن هیچ‌گاه درباره این امور نه ترسی و نه اندوهی پیدا می‌کند. زیرا معتقد است تمامی عالم و تک تک موجودات آن و حتی وجود خودش ملک مطلق خدای سبحان است و احدی در این ملکیت شریک او نیست؛ بنابراین خود را نیز مالک هیچ چیز نمی‌داند، تا درباره آن دچار خوف و یا اندوه گردد. این حالت همان وضعی است که خدای تعالی اولیای خود را به داشتن آن توصیف نموده است. همه اینها مراحل از تسلیم خدا شدن است» (۹).

این آرامش روانی و دوری از تنش‌ها و نگرانی‌ها نشان از پاکسازی درون انسان مؤمن است. چرا که عبادت و بندگی در حقیقت نوعی پالایش درون از ناهنجارهای اخلاقی مانند: حسادت، کبر، بخل و... است. کسی که با خدای خویش رابطه‌ای مداوم داشته باشد از گناهان و رذائل بدور است. «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» (احزاب/۴) بنابراین می‌توان این‌گونه بیان نمود که کفر و ایمان در

یک قلب قابل جمع شدن نیست. کسی که قلبش خانه محبت و عشق الهی باشد؛ مرتکب گناهان و ناسپاسی نمی‌شود.

در مسئله مهم بندگی و عبودیت الهی؛ در زندگی انسان سالم این نکته بسیار مهم است که تمام اعمال و رفتار آدمی تنها به جهت قرب الهی و مخلصانه باشد. اهمیت اخلاص تا بدان جاست که عمل بی اخلاص، نه تنها مقبول نیست بلکه سبب دوری از خداوند می‌شود. حضرت علی (ع) در این خصوص فرمودند: «بر شما باد اخلاص، به درستی که سبب قبول عمل است و بهترین طاعت‌هاست» (نامه ۲۶) ریا در مقابل اخلاص قرار می‌گیرد به این معنا که خودنمایی و هرگونه قصد جلب توجه دیگران و... را در برمی‌گیرد. کسی که به خداوند و روز آخرت اعتقاد و باور یقینی و قلبی داشته باشد؛ هرگز برای جلب رضایت غیر خدا کاری را انجام نمی‌دهد. در توصیف فرد منافق در سوره نساء آیه ۳۸ آمده است: «وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا» منافق به دنبال جلب اعتماد مردم و کسب رضایت آنان است به همین خاطر این آیه شریفه دلالت دارد که ریاکار قرین شیطان است و چه قرین بدی است (۹). حضرت علی (ع) نیز می‌فرماید: «برای خدا کار کنید نه برای نشان دادن به دیگران، هر کس برای جز خدا کاری کند؛ خدا او را و او می‌گذارد» (خطبه ۲۳)

آزادگی

یکی از مهم‌ترین ثمرات انسان‌شناسی توحیدی؛ کشف استقلال و آزادی انسان نسبت به غیر خداست. چرا که لازمه بنده خدا بودن رهایی از عبودیت دیگران است. زمانی که انسان بنده حقیقی خدا باشد؛ تمام امید و آرزوهای خود را در او و از خدا می‌خواهد. بنابراین برای اهدافی مانند شهرت، مقامات مادی و... تن به عبودیت نمی‌دهد. همچنان که قبلاً گذشت چنین انسانی، تنها در برابر خداوند کرنش می‌کند و نیازهای خود را تنها از خدا مطالبه می‌کند. همان‌گونه که آیات ۷۹-۸۰ سوره آل عمران گذشت. چنین انسانی از هر تعلق غیرخدا وارسته است.

دین مبین اسلام شأن انسان‌ها را آزاد می‌داند. امام علی (ع) در نامه خود به امام حسن (ع) فرمودند: «بنده دیگری نباش در حالی که خدایت تو را آزاد آفریده است» (نامه ۳۱) دینداری فارغ از آزادگی؛ دنیاداری است و آدمی گمان می‌کند که بدون آزادگی دینداری می‌کند، در حالی که هر کسی گرد محبوب خود می‌گردد (۱۶).

آزادگی و حریت از آنجا که به فطرت و ماهیت الهی انسان مرتبط است؛ آثار و نتایج متعددی در فرد به وجود خواهد آورد. انسانی که خود را تنها بنده خدا می‌داند؛ در برابر غیرخدا تملق و کرنش نمی‌کند و وجود خود را عزیز می‌شمارد و تن به پستی و حقارت برای رسیدن به مسائل دنیوی نمی‌دهد. ستم را نمی‌پذیرد و عزت نفسش را برای غیر خدا مخدوش نمی‌سازد. بر اساس توصیه‌های فراوان حضرت علی (ع) آزادگی و حریت شیوه نیکوکاران است و حیا و پاکدامنی از ویژگی‌های چنین فردی است (۸) دوری از خواری؛ نهادینه شدن صفات اخلاقی و... از مهم‌ترین نتایج حریت و آزادگی است.

شکوفایی او شود، سبب ایجاد ضعف شخصیت و اختلال در آن می‌گردد. (۲۱)

بنابراین در حالت کلی می‌توان گفت؛ شخصیت سالم، زمانی محقق می‌شود که شخص عمیقاً عشق می‌ورزد، خلاق است، قوه تفکر و تعقلش به بهترین صورت ممکن پرورش یافته است. چنین انسانی جهان را پدیده‌ای واقعی و عینی می‌بیند که دارای هویت پایدار است. مسئولیت زندگی خود را به عهده دارد و ارزش‌ها را رعایت می‌کند؛ به وظایف خود آگاه است و در راستای اهداف خود گام بر می‌دارد. (۲۲)

از سوی دیگر، ادیان در خصوص سلامت معنوی تعاریف متفاوتی ارائه داده‌اند. بررسی نشان داده است که سلامت معنوی طیف گسترده‌ای است که انسان در آن در حرکت است؛ در این طیف؛ انسان هرچه به سوی شاخص‌های متعالی‌تر پیش رود؛ از سلامت معنوی بیشتری برخوردار است. (۲۳)

بعد مادی و معنوی سلامت در انسان گاهی ملازم یکدیگر نیستند. به این معنا که انسان گاهی از نظر جسمی دارای سلامت است اما از نظر معنوی در انسان‌سالمی نباشد و بالعکس. آنچه در سعادت انسان ارزش بیشتری دارد سلامت معنوی اوست. انسان سالم از نظر معنوی، روحی و روانی را می‌توان در حوزه مطالعات دینی مورد بررسی قرار داد. (۲۴)

زندگی انسان و سلامت او در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنان که تأمین سلامت، حفظ و ارتقای این مقوله مهم؛ مقدمه‌ای ضروری برای حفظ حیات، شکوفایی عمر و استفاده صحیح از آن است. از این رو در تاریخ بعثت پیامبر اکرم (ص) نکات فراوانی در خصوص ابعاد گوناگون سلامت به ویژه سلامت معنوی و روان به چشم می‌خورد. تأکید و اهتمام قرآن به عنوان اصلی‌ترین کتاب هدایت و زندگی بر مسئله سلامت بسیار قابل توجه است. برای نمونه خداوند متعال در خصوص آرامش روان و اطمینان قلبی که یکی از ابعاد مهم سلامت است فرمودند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸) حضرت علی (ع) فرمودند: «اگر نفس خود را به خدا تسلیم کنی، نفس تو سالم می‌ماند» (۸).

آرامش و اطمینانی که در آیه ضمانت شده در قلوب مؤمنینی قرار می‌گیرد که با ذکر الهی مانوس بوده‌اند. در آیه دیگر آرامش را وسیله کسب معرفت و ایمان معرفی نمود: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْهِبُوا إِيمَانَهُمْ» (فتح/۴) اگر ایمان هیچ ثمری جز همین مسأله آرامش نداشت کافی بود که انسان با تمام وجود از آن استقبال کند، تا چه رسد به ثمرات و برکات دیگر.

چنین انسان‌سالمی هرگز از کسی جز خدا نمی‌ترسند: «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ (احزاب/ ۳۹). چنان که حضرت علی (ع) فرمودند: «هر که به سوی خدا تسلیم شود، قوی گردد» (۸).

هرگز ملامت‌ها و سرزنش این و آن در اراده آهنینشان اثر نمی‌گذارد و «لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ (مائده/ ۵۴). همچنان که حضرت علی (ع) فرمودند «رضایت از خدا نتیجه یقین به خداست» (۲۵) چنین انسانی هرگز به خاطر آنچه از دست داده‌اند غمگین نمی‌شوند و به آنچه دارند دل بستگی شدید ندارند. این دو اصل سبب می‌شود که آرامش

شخصیت سالم، در نهایت خودش سرنوشت خویش را به دست می‌گیرد و با استفاده از ظرفیت‌های وجودی خود بر همه شرایط زیستی- روانی و اجتماعی غلبه می‌کند تا سرانجام به «خود فرا روندگی» خویش را تحقق دهد. «سرنوشت» فقط زمینه‌ای برای آزمودن آزادی انسان است. (۱۷) از آنجا که انسان موجودی خودآگاه و مسئول است. انسان سالم همواره پاسخ‌گویی وضعیت خویش است. چرا که او می‌داند که آزادی انتخاب، مسئولیت آفرین است. (۲)

نتیجه‌گیری

بنابراین روشن است که مقصود از سلامتی؛ تنها سالم بودن بدن و عدم بیماری نیست؛ بلکه آسایش جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی را نیز در بر می‌گیرد. چرا که در عصر حاضر یک تحول ناتمام از سلامت انسان به سلامت نفس و تحول سلامت نفس به سلامت روان شناختی رخ داده است. (۱۸)

افزادی مانند؛ مزلو به دنبال دانستن این مسئله بودند که انسان برای رسیدن به کمال و خودشکوفایی تا چه اندازه توانایی دارد. وی بر این باور بود که اگر انسان بتواند تمام استعدادهای بالقوه خود را شکوفا کند؛ دستیابی به این حالت آرمانی هستی و تبدیل شدن یا نزدیک شدن به انسان سالم و کامل ممکن و مقدور خواهد بود. (۱۹) از نظر مازلو؛ انسان سالم دارای ویژگی‌های برجسته‌ای مانند: آگاهی و ادراک صحیح از واقعیت‌ها، پذیرش خویش و دیگران و طبیعت، خود انگیختگی، سادگی و طبیعی بودن، توجه به مسائل بیرون از خود؛ گرایش به استقلال، کنش مستقل، تداوم تجربه‌های زندگی، تجربه‌های عرفانی، نوع دوستی، روابط فردی و اجتماعی، داشتن روحیه مردم‌گرایی، هدف‌گذاری و تشخیص صحیح اهداف، مهربان و شوخ طبع، خلاقیت و توجه صحیح به مقررات و آداب و رسوم اجتماعی... است. (۲۰)

همچنین در تعریف سلامتی آمده است: «بهره‌مندی فرد از وضعیت مطلوب جسمانی، اجتماعی، روانی و معنوی؛ به نحوی است که برای فرد امکانی را به وجود می‌آورد تا زندگی با رضایت‌مندی بالا، سعادت‌مند و همراه با رعایت اصول اخلاق داشته‌باشد. بنابراین سلامتی ظرفیت عظیم آدمی است که با شکوفایی فطرت توحیدی از طریق روابط مستحکم با خدا، ایجاد نظام ارزشی شخصی قدرتمند، داشتن هدف متعالی در زندگی، روابط سالم و سازنده با خود و دیگران، حس عمیق عرفانی نسبت به طبیعت و نظام هستی به دست می‌آید» (۷)

راجرز، شخصیت را یک خویشتن سازمان یافته می‌داند که به صورت دائمی حضور دارد و محور تمام تجربه‌های انسان است. (۲۰) این روانشناس مطرح مکتب انسانی‌نگر؛ معتقد است؛ شخصیت سالم، حقیقت واقعی خود را پشت نقاب پنهان نمی‌کند. انسان سالم دارای زندگی معنادار، اعتماد به نفس بالا، احساس آزادی، انعطاف‌پذیری و خلاقیت است. (۲۰)

محور اصلی مکتب انسانی‌نگر، ارضای نیازهای اساسی انسان و رسیدن به مرحله خودشکوفایی است و همین دو عامل؛ سبب شکل‌گیری سلامت شخصیت می‌شود. براساس این دیدگاه، هر عاملی که فرد را در سطح ارضای نیازهای سطح پایین نگه دارد و مانع

ها و اطاعت و بندگی تو با خبر است. با ایمان به این دو اصل چگونه ممکن است آرامش خاطر بر وجود انسان حاکم نگردد؟ (۱۴).

اصطلاح دیگری که در قرآن کریم ناظر بر سلامت بوده؛ حیات طیبه است. همچنان که در آیه شریفه فرمود: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷) به این ترتیب معیار، تنها ایمان و اعمال صالح زائیده آن است و دیگر هیچ قید و شرطی نه از نظر سن و سال، نه از نظر نژاد، نه از نظر جنسیت و نه از نظر پایه و رتبه اجتماعی در کار نیست. نتیجه این عمل صالح مولود ایمان در این جهان، حیات طیبه است یعنی تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود. (۱۴)

بر اساس نگاه قرآنی شخصیت سالم وابسته به باور به هدفمندی جهان آفرینش، باور به سنت‌های حاکم بر هستی، باور به مفهوم حیات طیبه، باور به جهان آخرت، باور به نقش انسان در تعیین سرنوشت خویش است. (۱۷) بنابراین سلامت به معنای تعادل در تمام قوای انسان است. معرفی صفات انسان سالم به ویژه در حیطه مبانی خداشناسی او؛ بر تربیت صحیح انسان موثر است. الگوی معرفی که براساس مسائل توحیدی و خداشناسی ترسیم گردید؛ ابعاد وجودی انسان، ظرفیت‌ها و استعداد‌های او را پرورش خواهد داد.

۶- تشکر و قدردانی

از داوران محترم و هیئت تحریریه و... که با نظرات خود بی شک سبب غنا اثر شده و در رفع نواقص ما را یاری نموده‌اند صمیمانه تشکر می‌نمائیم.

۷- تضاد منافع

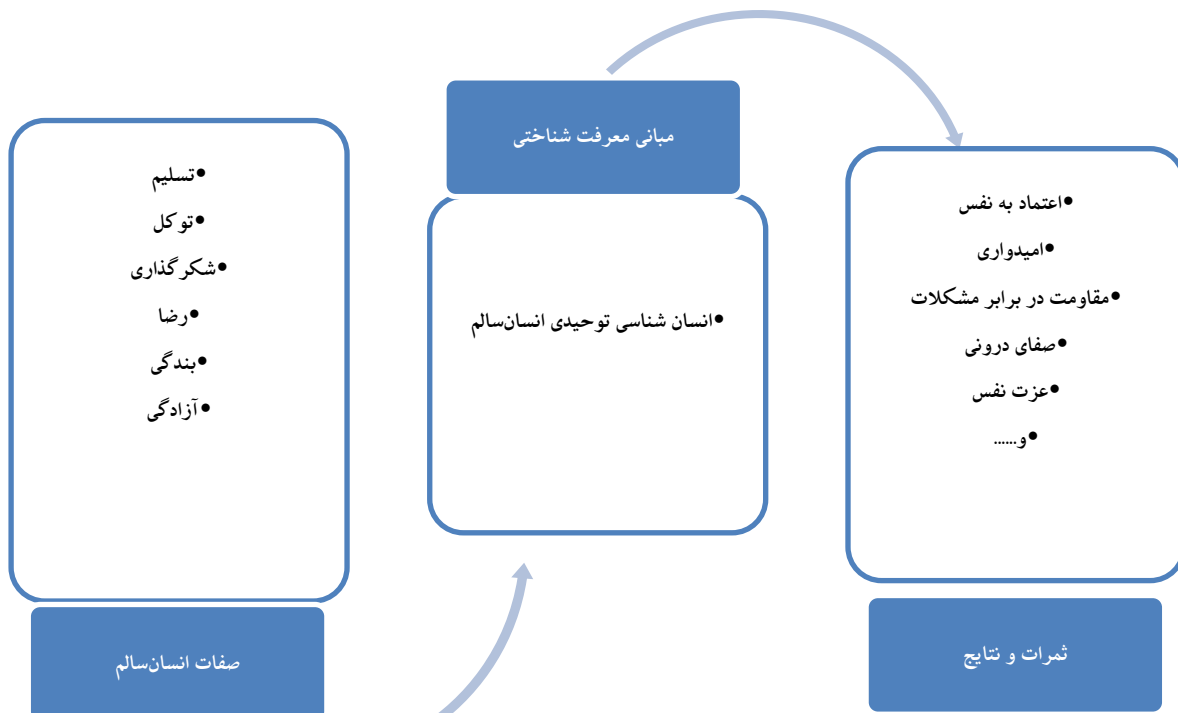
تعارض منافی وجود ندارد.

روحي آنها به خاطر گذشته و آینده متزلزل نشود لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ (حدید/ ۲۳). حضرت علی(ع) فرمودند: «نتیجه رضایت از خدا؛ توانگری است» (۸) نشان این اخلاق والا را در زندگی پیامبران و امامان معصوم(ع) به ویژه صبر و شکیبایی در مواجهه با سختی‌ها می‌توان ملاحظه نمود.

آلپورت روانشناس برجسته در زمینه شخصیت سالم معتقد است: شخصیت سالم دارای ارتباط صمیمانه با خود و دیگران است از سوی دیگر امنیت عاطفی، ادراک واقع بینانه، توجه به وظایف، عینیت بخشیدن به خود و... دارد. (۲۶)

بنابراین سه مسئله مهم ارتباط با خود، خدا و جامعه بر فهم مبانی سلامت روان انسان موثر بوده است. هرچه این ارتباط عمیق‌تر و بر پایه عقل‌گرایی باشد؛ شخص از بیماری‌های روانی دورتر است. (۲۷) چنین انسانی هرگز در برابر حوادث سخت سست نمی‌شوند، اندوهی به خود راه نمی‌دهند و همواره خود را برتر از دشمن می‌بینند؛ وَ لَا تَهْنُؤْا وَ لَا تَحْزَنُؤْا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران/ ۱۳۹). مؤمن حقیقی در میدان حوادث خود را تنها نمی‌بیند، دست لطف و حمایت خدا را دائماً بر سر خویش احساس می‌کند، و یاری فرشتگان را در وجود خویش لمس می‌کند. در حالی که اضطراب حاکم بر افراد بی ایمان از خلال گفتار و رفتارشان مخصوصاً به هنگام وزش طوفان‌های حوادث کاملاً محسوس است.

دو وسیله مهم آرامش در ذیل آیه ۴ سوره فتح آمده است که هر کدام بیانگر یکی از عوامل سکینه و آرامش مؤمنان است: نخست جمله «وَ لِلّٰهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» سپس جمله «وَ كَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» اولی به انسان می‌گوید اگر با خدا باشی تمام قوای زمین و آسمان با تو است، و دومی به او می‌گوید: خداوند هم نیازها و مشکلات و گرفتاری‌های تو را می‌داند و هم از تلاش‌ها و کوشش



شکل ۱: مبانی معرفتی و خداشناسی صفات انسان سالم از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه

References

1. Motahari M. The Perfect Man. Tehran: Sadra; 1992. 15 . [Persian]
2. Frankl V. Man in search of meaning. 2015. 88–109 [Persian]
3. Hassani Bafarani T. Healthy man and its characteristics from the perspective of Victor Frankl. Ravanshenasi-va- Din. 2011;4(2). [Persian]
4. Bahrami Qasr Chamani K. The perfect man from the point of view of Ibn Arabi and Molana. Pajooheshname Erfan. 2012;1(7):19–50. [Persian]
5. Sharif al-Radhi M ibn H. Nahj al-Balaghah. Qom: Famous Publications; 2000. 34 . [Persian]
6. Shojaei, Mohammad Sadegh MH. Healthy Human Theories with an Attitude Towards Islamic Sources. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2009. 341 . [Persian]
7. Salarifar MR et al. Mental Health with an Attitude Towards Islamic Resources. Tehran: Samat; 2010. 140-74–188 [Persian]
8. Tamimi Amadi A al-W bin M. Gharr al-Hakam wa Darr al-Kalam. Qom: Dar Al-Kitab Al-Islami; 1990. 81. [Persian]
9. Tabatabai MH. translation of Tafsir al-Mizan. Qom: Office of Islamic Publications of the Society of Teachers of the Seminary of Qom; 1995. 11-58-478–488 . [Persian]
10. Arabi I. Fusus al-Hakam. 1990. 190–199. [Persian]
11. Khomeini R. Explanation of the Hadith of the Soldiers of Wisdom and Ignorance. Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam; 1998. 401. [Persian]
12. Ragheb Esfahani HM. Translation and Research of Quranic Words. Beirut: Dar Al-Qalam - Al-Dar Al-Shamiya; 1995. 882-461–710 . [Persian]
13. Mustafawi H. Research in the Words of the Holy Quran. Tehran: Book Translation and Publishing Company; 1981. 153 . [Persian]
14. Makarem Shirazi N. Tafsir Nomoneh. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyya; 1995. 507 . [Persian]
15. Najafi Khomeini MJ. Easy Interpretation. Tehran: Islamic Publications; 2009. 233 . [Persian]
16. Delshad Tehrani M. Tayer Farrokh Pi. Tehran: Darya; 2000. 55 . [Persian]
17. Bafarani, Talat, Mahdavi Rad MA. The system of fundamental beliefs of healthy people from the perspective of the Qur'an. Philos Relig. 2011;8(11):161–88. [Persian]
18. Gharamaleki AF. The theory of healthy man in Razi's system of ethics. J Relig Anthropol. 2010;7(24):19–37. [Persian]
19. Shariat Bagheri MM. Comparative study of Rumi and Maslow theories about healthy and perfect human beings. Psychol Stud (Mysore). 2012;8(4):131–45. [Persian]
20. S AH. Theoretical Bases of the Islamic School of Psychology. Q J Fundam Ment Heal. 2003;5(17):1–13. [Persian]
21. Schultz d. Personality theories. 2013. 100–115 . [Persian]
22. Hamzeh Ganji. Mental health. 2008. 64–66 [Persian]
23. Atashzadeh-Shoorideh F, Karamkhani M, Khubestani MS, Fani M, Abdoljabbari M. Searching the concept of spiritual well-being and the indices of healthy individuals in different religions and creeds. ر ج Review Article Journal of Reaserch on Religion & Health. 2016.
24. Fani M, Abdoljabbari M, Atashzadeh-Shoorideh F, Karamkhani M. The criterion of a healthy person from the point of view of religious texts , Journal of Research on Religion & Health. 2018 . [Persian]
25. Klini M ibn Y. Al-Kafi. Tehran: Islamic, fourth edition; 1987. 78–377 . [Persian]
26. Schultz d. Growth Psychology:

models of the healthy personality. 1995.
210 . [Persian]
27. Sh E. The Sound Human Being in
the Holy Quran and Traditions .safineh;
1386. [Persian]